

تدوین مدل ارتباط با خانواده همسر بر اساس مؤلفه‌های سبک‌های دل‌بستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی با میانجی‌گری پایبندی مذهبی

سجاد فروزش^۱، رسول روشن چسلی^{۲*}، محمد غلامی فشارکی^۳، معصومه محسنی زاده^۴

۱. کارشناس ارشد مشاوره، دانشکده تربیت، موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
۲. استاد گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. استادیار گروه آمار، دانشکده آمار زیستی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۴. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر مدل یابی ارتباط با خانواده همسر بر اساس سبک‌های دل‌بستگی، ویژگی‌های شخصیت، هوش هیجانی با میانجی‌گری پایبندی مذهبی بوده است.

روش: روش این پژوهش همبستگی مبتنی بر روابط ساختاری (تحلیل مسیر) بود. جامعه آماری پژوهش حاضر تمام زوجین ۲۰ تا ۴۵ ساله ساکن قم بودند که از میان آن‌ها ۵۰۰ نفر با کمک روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های، سیستمی - مثلثی، مقیاس سبک‌های دل‌بستگی، پرسشنامه شخصیتی نئو، مقیاس هوش هیجانی بار-آن و مقیاس پایبندی مذهبی جان بزرگی بود که روایی و پایایی آن را پژوهش‌ها و اساتید متخصص تأیید کرده‌اند.

نتایج: یافته‌های پژوهش نشان داد، مدل ارتباط با خانواده همسر بر اساس سبک‌های دل‌بستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی با میانجی‌گری پایبندی مذهبی از برازش مطلوبی برخوردار است و متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی با میانجی‌گری پایبندی مذهبی می‌توانند ارتباط با خانواده همسر را پیش‌بینی کنند. علاوه بر این، یافته‌های مربوط به همبستگی بین متغیرهای پژوهش (سبک‌های دل‌بستگی، هوش هیجانی، ویژگی‌های شخصیت و پایبندی مذهبی) با ارتباط با خانواده همسر نشان داد که این متغیرها با ارتباط با خانواده همسر رابطه معناداری دارند.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش از این باور حمایت می‌کند که پایبندی مذهبی بر روابط بین فردی زوجین در نحوه ارتباط با خانواده همسر تأثیرگذار است؛ بنابراین می‌توان با تغییر در آن، الگوهای ارتباطی زوجین با خانواده همسرشان را تغییر داد.

کلیدواژه‌ها: ارتباط با خانواده همسر، سبک‌های دل‌بستگی، ویژگی‌های شخصیت، هوش هیجانی، پایبندی مذهبی، مدل یابی.

*Email: rasolroshan@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

نشریه علمی

روانشناسی بالینی و شخصیت

دوره ۱۷، شماره ۲، پیاپی ۳۳
پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص: ۶۳-۷۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۷

مقاله پژوهشی

Journal of

Clinical Psychology & Personality

Vol. 17, No. 2, Serial 33

Autumn & Winter
2019 - 2020
pp.: 63-76

مقدمه

خانواده واحد تشکیل دهنده اجتماع و از دیرباز مهم‌ترین نهاد اجتماعی برای حفظ ویژگی‌های فرهنگی و انتقال آن‌ها به نسل‌های بعدی بوده است. وابستگی افراد به اعضای خانواده‌شان تنها به دوره طفولیت آن‌ها ختم نمی‌شود. بلکه افراد همواره برای بقا به روابط عاطفی با اعضای خانواده خود نیازمندند. خانواده فرزندان را در دامان خود پرورش می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند درباره‌ی دنیای پیرامون بیاموزند. بنابراین روابط خانوادگی پیش‌نیاز مهمی برای سلامت هیجانی و موفقیت اجتماعی افراد به شمار می‌رود. حتی هنگامی که فرزندان از خانواده‌های اصلی خود مستقل می‌شوند و خانه‌ی پدری را برای تشکیل خانواده جدید ترک می‌کنند همچنان پیوندهای عمیق عاطفی خود را با اعضای خانواده اصلی‌شان حفظ می‌کنند [۱].

اهمیت حفظ رابطه زوجین با خانواده‌های یکدیگر به حدی است که مساله ارتباط با خانواده همسر و تأثیر شدید آن بر ثبات زندگی زناشویی را به یک مساله وابسته به فرهنگ در جامعه ایرانی تبدیل کرده است. به استناد نتایج پژوهش‌های انجام‌شده عامل مذکور را می‌توان جز پنج عامل اول و مهم پیش‌بینی کننده طلاق در ایران دانست [۲، ۳]. داتا، پورتینگا و مارکوئن [۴] نیز در پژوهش خود تعارض با خانواده همسر، به‌ویژه مادر شوهر را موضوع اساسی در بحث تعارضات زناشویی در کشورهای جمع‌گرا و پایبند به اصول اشتراکی در زندگی و فرهنگ‌های وابسته به آبا و اجداد مثل تایوان، چین، کره و هند بیان کردند. فنگ وو و دیگران [۵] نیز در پژوهش خود نشان دادند که زنان متأهل چینی، تعارض با مادر شوهر را به عنوان سومین عامل اضطراب‌زا در ازدواج می‌دانند. نتایج تحقیقات در ایران نشان داده است که زنان در مقایسه با مردان از ارتباط با خانواده همسر رضایت کمتری دارند و تعارضات بیشتری با خانواده همسرشان تجربه می‌کنند [۶، ۷] همچنین مشخص شده است که در بین اعضای خانواده همسر، مادر بیشترین و پدر کمترین تأثیر را بر همسر فرزند دارا می‌باشند [۷].

با وجود اینکه نتایج پژوهش‌های متعددی به اهمیت کیفیت رابطه زوجین با خانواده‌های اصلی یکدیگر اذعان نموده‌اند و علی‌رغم پژوهش‌های مختلفی که در این زمینه انجام گرفته، هنوز سؤالات مختلفی در این میان بی‌پاسخ مانده‌اند، چرا که نگاه این پژوهش‌ها بیشتر از بابت پاسخ به این سؤال بوده است که «ارتباط افراد با خانواده اصلی خودشان بر کیفیت روابط زناشویی آن‌ها چه تأثیری خواهد داشت؟». نتایج آن‌ها نشان داده است که برقراری روابط مؤثر بین فرزندان و اعضای خانواده اصلی پیش‌نیاز مهمی برای

سلامت روان و ایجاد رابطه موفق آن‌ها با همسرشان در آینده است؛ اما به نظر می‌رسد نوع نگاه و حوزه اصلی تمرکز این پژوهش‌ها که عمدتاً در سایر بافت‌های فرهنگی انجام شده‌اند، متفاوت از ماهیت مسائل و مشکلاتی است که همسران ایرانی با خانواده‌های اصلی یکدیگر دارند. علاوه بر این در پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه در ایران نیز، نحوه ارتباط هر یک از همسران با خانواده‌های اصلی یکدیگر و تأثیر آن بر کیفیت سازگاری زناشویی همسران را مورد بررسی قرار داده‌اند. این موضوع، با بررسی علل زمینه‌ای و بنیادین در نحوه ارتباط هر یک از همسران با خانواده‌های اصلی یکدیگر که هدف اصلی انجام پژوهش حاضر است تفاوت دارد. چرا که با وجود موضوعات تعارض مشابه با خانواده همسر بین دو گروه افراد راضی و ناراضی از رابطه با خانواده همسر [۷]، نحوه واکنش متفاوت طرفین تعارض به پیامدهای متفاوتی منجر شده است که لزوم شناسایی ویژگی‌های بنیادین افراد راضی و ناراضی از رابطه با خانواده همسر را آشکار می‌سازد.

برسی نتایج بیش از ۱۰۰۰ پژوهش در حوزه خانواده و ازدواج طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ نشان داد سبک‌های دلبستگی (برای نمونه: صادقی و میر هاشمی [۸]؛ عطایی‌فر، امیری [۹]؛ رازقی، مظاهری، احدی [۱۰])، ویژگی‌های شخصیت (برای نمونه: بابایی، صالحی، الهی [۱۱]؛ زارع، رضایی [۱۲]؛ مرعشی، محرابیان، مسلمان [۱۳]) و هوش هیجانی (برای نمونه: البرزی، خوشبخت، گلزار، صبری [۱۴]؛ پور محسنی، ایرانی [۱۵]) را می‌توان مؤلفه‌هایی دانست که به بر کیفیت ارتباط افراد با دیگران به طور مستقیم تأثیر گذارند.

سبک دلبستگی یکی از مفاهیم بنیادینی است که می‌تواند به تبیین چگونگی ارتباطات فردی و از جمله ارتباط با خانواده همسر بپردازد. از دیدگاه بالبی [۱۶] افراد در نتیجه تعامل با مراقبت‌کننده‌های دوران کودکی خویش به انتظارهایی درباره روابط اجتماعی و تجسم‌هایی از خود در رابطه با افراد مهم زندگی خویشان، دست می‌یابند که در تمامی مراحل زندگی تعیین‌کننده‌اند و تفاوت‌های شناختی، هیجانی و ارتباطی افراد را می‌توان در چهارچوب نخستین سبک‌های دلبستگی آن‌ها بازشناخت.

اینشورث با گسترش نظریه بالبی، سبک‌های دلبستگی را به سه دسته‌ی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا تقسیم کرد. وی معتقد بود کودکان ایمن از والدین به عنوان پایگاه امنی برای اکتشاف محیط استفاده می‌کنند و در اکثر موقعیت‌ها احساس راحتی و امنیت می‌کنند و تجسمی مثبت، حمایتگر و پاسخ‌دهنده از مادر خود دارند. کودکان دوسوگرا در موقعیت ناآشنا مشکل‌تر می‌توانند به احساس آرامش و

ظرفیت فرد برای قبول واقعیات، انعطاف‌پذیری، توانایی حل مشکلات هیجانی و توانایی مقابله با استرس و کنترل تکانه‌هاست [۲۳]؛ بنابراین می‌تواند در نحوه‌ی برخورد فرد با محیط و از جمله مساله ارتباط با خانواده همسر مؤثر باشد.

با توجه به تمهیدات یادشده، نحوه‌ی ارتباط با خانواده همسر می‌تواند تحت تأثیر، سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی، ویژگی‌های شخصیتی افراد باشد. بررسی ادبیات پژوهشی نیز، نشان‌دهنده رابطه این متغیرها با یکدیگر است؛ که در این زمینه پژوهش‌های زیادی وجود دارد اما برای رعایت اختصار تنها به دو نمونه در هر متغیر اشاره می‌شود. در مورد رابطه سبک‌های دلبستگی با ویژگی‌های شخصیت می‌توان به پژوهش لطفی، سعادت [۲۴] اشاره کرد، آن‌ها دریافتند که بین سبک دلبستگی ایمن با برون‌گرایی همبستگی مثبت وجود دارد، بین سبک‌های دلبستگی نایمن با روان‌رنجورخوبی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. دمیرکن [۲۵] مشخص کرد که رابطه معناداری بین سبک‌های دلبستگی و پنج عامل شخصیت وجود دارد.

درباره رابطه سبک‌های دلبستگی با هوش هیجانی می‌توان به پژوهش فولام [۲۶] اشاره کرد، وی دریافت افراد ایمن در روابط بین فردی، حل مسائل اجتماعی، مهار تنیدگی، سلامت جسمانی و روانی نسبت به افراد نایمن در سطح بالاتری قرار دارند. البرزی، خوشبخت، گلزار و صبری [۱۴]؛ نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده مثبت معنادار هوش هیجانی و سبک دلبستگی اجتنابی پیش‌بینی‌کننده منفی معنادار هوش هیجانی بود که این نتایج با تحقیقات حدادی و غباری بناب [۲۷] همسو بود.

در خصوص رابطه بین ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی نیز می‌توان به پژوهش بشارت [۲۸] اشاره کرد که تحلیل رگرسیون داده‌های آن‌ها حاکی از آن بود که دو بعد برون‌گرایی و نوروژرایی می‌توانند تغییرات مربوط به هوش هیجانی را پیش‌بینی کند. سالکوفسکی و مینیکیسی [۲۹] در پژوهش خود نشان دادند که هوش هیجانی بالا با برون‌گرایی، سازگاری، وظیفه‌شناسی و گشودگی همبستگی دارد.

یکی دیگر از مهم‌ترین عواملی که به تجارب، رفتار و ارزش‌های انسان معنا و ساختار می‌بخشد «مذهب» و «معنویت»، است. دین نظام اعتقادی سازمان‌یافته‌ای است که با مجموعه‌ای از آیین‌ها و اعمال تعریف شده، تعیین‌کننده شیوه پاسخ‌دهی افراد به تجارب زندگی است [۳۰]. با وجود اختلاف‌نظرها در تعریف دین و دین‌داری به‌طور کلی می‌توان گفت که دین راهنمای افراد در چگونگی درک جهان اطراف، واکنش‌ها و رفتارهای زندگی روزمره است و به افراد کمک می‌کند تا به واسطه آن به تفسیر محرک‌های محیطی

آسایش دست یابند. این کودکان به راحتی نمی‌توانند به اکتشاف در محیط بپردازند و به لحاظ خلق در برابر تنیدگی‌ها آسیب‌پذیرترند. کودکان نایمن اجتنابی نیز در برابر افراد ناآشنا منقلب نمی‌شوند و احتیاط اندکی نشان می‌دهند و در عواطف خود نسبت به مادر نیز بی‌تفاوت‌اند و به نظر می‌رسد اهمیت روابط دلبستگی با مادر را انکار می‌کنند. طرفداران این نظریه معتقدند به احتمال زیاد سبک دلبستگی کودک بر اساس الگوهای فعال درونی از خود و چهره دلبستگی تا بزرگسالی ادامه می‌یابد و در روابط بزرگسالی فرد منعکس می‌شود [۱۷] الگوهای فعال درونی از چهره دلبستگی یعنی باورها، انتظارات و احساس‌های فرد در مورد حساسیت و پاسخ‌دهندگی چهره دلبستگی و شامل ارزش شایستگی می‌شود که فرد برای خود در دریافت توجه و محبت از دیگران قائل می‌شود [۱۸]. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کیفیت روابط مادر- کودک در دوران کودکی، روابط نزدیک و صمیمانه در بزرگسالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعات صادقی و میر هاشمی [۸]، عطایی‌فر، امیری [۹]، رازقی، مظاهری، احدی [۱۰] و دیگران همگی بیانگر این نکته‌اند که آزمون‌های دارای سبک دلبستگی ایمن از مشکلات زناشویی، مشکلات بین شخصی کمتر و سطح شادکامی بیشتر در روابط، نسبت به آزمون‌های دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند.

عامل دیگری که روابط آینده فرد را در خانواده مشخص می‌کند، ویژگی‌های شخصیت است. تفاوت‌های رفتاری افراد ممکن است حاصل ویژگی‌های شخصیت باشد که با تأثیرگذاری زیاد خود بر افکار و احساسات، واکنش‌های رفتاری فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند [۱۹] پنج عامل بزرگ شخصیت (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی) مبنای نظری محکم و جامعی را برای تبیین تفاوت‌های بین فردی شخصیتی فراهم می‌کنند [۲۰]. این ابعاد به عنوان سازمانی از سیستم‌های پویا که رفتارهای صحیح افراد و سبک‌های تفکر آن‌ها را ارزیابی می‌کند، تعریف می‌شوند [۲۱]. هاتسون و هاتس ذکر کرده‌اند که شخصیت به شالوده روان‌شناختی رابطه پایدار کمک می‌کند و بنابراین پیش‌بینی‌کننده اصلی موفقیت یا عدم موفقیت در یک رابطه است [۲۲].

عامل مهم دیگر که می‌تواند تبیین‌کننده تمایز رفتار افراد از یکدیگر باشد و نحوه‌ی برخورد افراد را با رویدادها و مسائل مختلف زندگی مشخص سازد، مفهوم هوش هیجانی است. هوش هیجانی دسته‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌های غیر شناختی است که توانایی موفقیت فرد را در مقابله با فشارها و اقتضاهای محیطی افزایش می‌دهد. هوش هیجانی شامل

رعایت موارد یادشده موجب می‌شود زوجین و خانواده همسر بتوانند در سایه رعایت اصول اخلاقی که مورد تأکید دین اسلام است، از روابط خانوادگی بهتری برخوردار شوند.

روابط مطلوب بین زوجین و خانواده همسر به حفظ بهداشت روانی، وجود تنوع در زندگی، رشد و بالندگی اجتماعی، برخورداری از حمایت‌های خویشاوندان، سبک‌باری، امنیت خاطر، بهره‌مندی از تجربه بزرگ‌ترها و ایجاد تعادل در خانواده بیانجامد؛ اما گاه بروز مشکلات و مسائل گوناگونی نظیر مداخله‌ها، حسادت‌ها، خودخواهی‌ها، سخن‌چینی‌ها و بدگویی‌ها، زخم‌زبان‌ها، حرمت‌شکنی‌ها، توقع بیش از اندازه از عروس یا داماد موجب تیرگی این روابط می‌شود [۳۳]. همه این امور، از بی‌توجهی به آموزه‌های دینی در خصوص روابط خانوادگی نشأت می‌گیرد.

مرور پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون مذهب و پایبندی مذهبی و ارتباط این متغیر با متغیرهای سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی حاکی از ارتباط مثبت و معنی‌دار این متغیرها با یکدیگر است. پژوهش شاه‌نظری [۳۴] نشان داد که جهت‌گیری مذهبی میانجی‌گر بین ویژگی‌های شخصیت و رضایت زناشویی است. بر اساس مدل به‌دست‌آمده در پژوهش او، جهت‌گیری بیرونی میانجی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیت و رضایت زناشویی است. علاوه بر این، بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده تعهد دینی می‌تواند در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و اضطرابی با صمیمیت زناشویی زوجین نقش میانجی‌گر داشته باشد. در واقع دین‌داری می‌تواند به این شکل میانجی‌گر سبک‌های دلبستگی باشد که افراد برای جبران فقدان دلبستگی ایمن خود در کودکی و بزرگسالی با اشکال و تصاویر مذهبی (به‌عنوان مثال خدا) رابطه دلبستگی تشکیل می‌دهند [۳۵]. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه رابطه سبک‌های دلبستگی و تعهد دینی با صمیمیت زناشویی نشان داده است که تعهد دینی رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و صمیمیت زناشویی را تعدیل می‌کند [۳۱، ۳۶، ۳۷] اما رابطه منفی بین سبک‌های دلبستگی اضطرابی و صمیمیت زناشویی را افزایش می‌دهد [۳۱، ۳۵]. یافته‌های پژوهش خجسته‌مهر و همکاران [۳۸] نشان داد که تعهد دینی می‌تواند رابطه منفی بین

بپردازند، عناصر گمشده خویش را بیابند، شکاف‌های شناختی و هیجانی خود را پر کنند و با استفاده از این ابزار هوشمند، به ساده و کوتاه شدن فرایند حل مساله بپردازند [۳۱]. دین با نقش مثبتی که در سالم‌سازی و کامل‌سازی انسان دارد می‌تواند در جایگاه نظام پیچیده اجتماعی، بر رفتارها و بازخوردهای مهم افراد، خانواده، چگونگی تفسیر روزانه و برداشت از امور مختلف تأثیر بسزایی داشته باشد [۳۲]. یکی از مواردی که در دین اسلام همواره بر آن تأکید شده، روابط بین فردی، بخصوص روابط خانوادگی است. از آنجایی‌که با ازدواج هر فرد، خانواده همسر او نیز در زمره خویشاوندان وی قرار می‌گیرند، تأکیدات دین اسلام در خصوص ارتباط با خویشاوندان شامل حال خانواده همسر افراد هم خواهد شد و فرد موظف است تمام اصول اخلاقی و مذهبی را که در مورد خانواده خود رعایت می‌کند، در مورد خانواده همسرش نیز رعایت کند. در این زمینه، یکی از اموری که در دین اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است، صلح‌رحم و ملاقات با خویشاوندان و دلجویی از آنهاست. در این میان، رسیدگی و احترام به والدین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌گونه‌ای که خدای متعال، پس از ذکر توحید به احسان والدین توصیه نموده و می‌فرماید: «خدای تو فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید»^۱. همچنین در باب ارتباط با خویشاوندان خدای متعال می‌فرماید: «از خدایی که همدیگر را به او قسم می‌دهید بپرهیزید و خویشاوندان خود را رعایت کنید؛ زیرا خداوند عالم مراقب اعمال شما است»^۲. علاوه بر این بسیاری از آموزه‌های اخلاقی اسلام در زمینه رفتارهای فردی و میان فردی می‌تواند در بهبود روابط خانوادگی و همچنین روابط زوجین و خانواده همسر مؤثر باشد. در اینجا به بعضی از این موارد اشاره می‌شود. انسان متدین آنچه را از دیگران انتظار دارد خودش عمل می‌کند^۳، به نحوه مؤثر ارتباط برقرار می‌کند و شنونده فعال است^۴، مردم‌آزار و ضداجتماعی نیست و از خشونت پرهیز می‌کند^۵، می‌تواند از بدی دیگران درگذرد و حتی در مقابل آن نیکی کند^۶، سخن نیک و رفتار نیکو دارد، اهل احسان به خانواده است که این احسان در سه شاخه والدین، همسر و فرزندان قرار می‌گیرد و احسان به والدین، مهم‌ترین عنصر است^۷.

۱. اسرا: ۲۳

۲. نساء: ۱

۳. بقره: ۴۴

۴. زمر: ۱۸

۵. احزاب: ۵۸

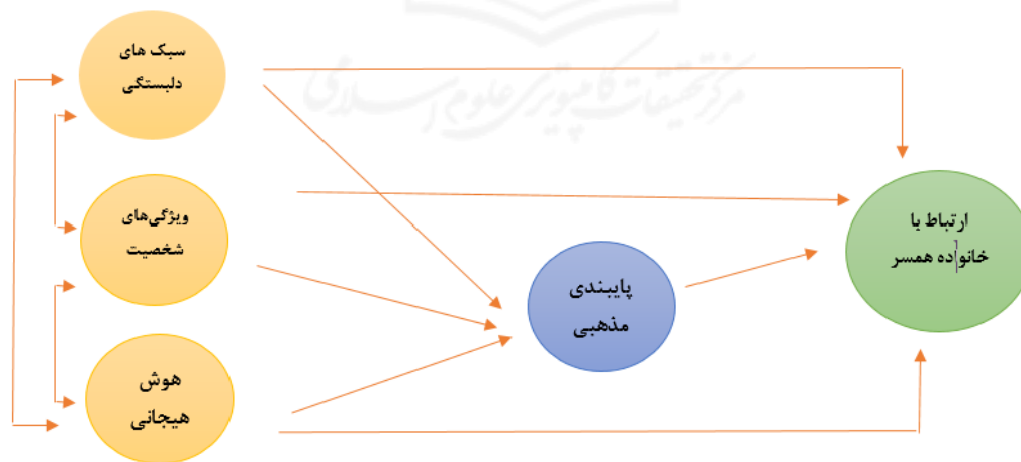
۶. آل‌عمران: ۱۳۴

۷. بقره: ۸۳

هیجانی و اعتقادات مذهبی رابطه‌ای مثبت، مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. به طوری که رشد و تقویت اعتقادات مذهبی باعث افزایش توان کنترل احساسات و هیجانات درونی خود و دیگران می‌گردد.

با توجه به مبانی نظری و نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی، ویژگی‌های شخصیت و پایبندی مذهبی می‌توان ارتباط با خانواده همسر را در زوجین ایرانی به صورت مؤثرتری تبیین کرد. به همین دلیل در پژوهش حاضر با استناد نتایج پژوهش‌های انجام‌شده، این متغیرها را در قالب یک مدل فرضی برای تبیین ارتباط با خانواده همسر مورد بررسی قرار داده است. رابطه بین متغیرها در مدل فرضی ارتباط با خانواده همسر در شکل ۱ نشان داده شده است. در این مدل فرضی، سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی و ویژگی‌های شخصیت به عنوان متغیرهای مستقل و پایبندی مذهبی به عنوان متغیر میانجی‌گر در نظر گرفته شده‌اند. پژوهش حاضر درصدد یافتن پاسخ به این پرسش است که آیا مدل ارتباط با خانواده همسر بر اساس مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی با میانجی‌گری پایبندی مذهبی، از برازش کافی برخوردار است؟

سبک‌های دلبستگی اجتنابی و صمیمیت زناشویی را کاهش دهد. کرمی [۳۹] در پژوهش خود به این نتیجه رسید که همبستگی میان انواع سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری مذهبی مثبت و معنادار است. خوانین‌زاده [۴۰] نشان داد که دلبستگی ایمن در دانشجویانی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند بیشتر از دانشجویانی است که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند. پژوهش‌های بسیاری نیز تلاش کرده‌اند که میان مذهبی بودن و شخصیت ارتباط برقرار کنند. برای نمونه مک کلگ، تی سانگ و بریون [۴۱] به این نتیجه رسیدند که وجدانی بودن تنها عامل پیش‌بینی‌کننده گرایش‌های مذهبی در جوانان است. این نتیجه در یافته‌های پژوهش دیرنداک [۴۲] و سوسیر و اسکرزپینسکا [۴۳] نیز مشاهده شد. همچنین دهستانی [۴۲] در پژوهش خود به این نتیجه رسید که عوامل شخصیتی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده ابعاد مختلف دین‌داری باشند و در این میان بیشترین سهم را تجربه‌گرایی دارد و پس از آن دو عامل شخصیتی وجدانی بودن و توافق تبیین‌کننده اصلی ابعاد دین‌داری می‌باشند. همچنین عباسیان و روشن [۴۴] در پژوهش خود نشان دادند که بین باورهای مذهبی و هوش هیجانی دانش‌آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. تورانلو [۴۵] دریافت که بین هوش



شکل ۱. مدل ارتباط با خانواده همسر بر اساس مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی با میانجی‌گری پایبندی مذهبی

آزمودنی

الف) جامعه آماری: جامعه آماری پژوهش حاضر تمام زوجین ۲۰ تا ۴۵ ساله ساکن قم هستند.
ب) نمونه پژوهش: برای محاسبه حجم نمونه به ادبیات پژوهشی مرتبط با روش آماری «مدل‌سازی معادلات ساختاری» مراجعه شد. در این رابطه دیدگاه‌های متفاوتی از

روش

نوع پژوهش

پژوهش حاضر از نوع طرح‌های همبستگی و مبتنی بر روابط ساختاری (مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱) است که از مدل‌های علی برای بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش استفاده می‌کند.

^۱ Structural Equation Model (SEM)

برای بررسی آزمون به شیوه آزمون - باز آزمون، از ۲۹ فرد متأهل (۹ مرد و ۲۰ زن) که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند، خواسته شد برای دو بار با فاصله زمانی ۱۵ روز به پرسشنامه پاسخ دهند. ضریب پایایی بعد از ۱۵ روز برای کل پرسشنامه ۰/۹۶ و برای زیر مقیاس‌های اتحاد، مرز و پیوستگی، به ترتیب عبارت بودند از: ۰/۹۵، ۰/۹۴ و ۰/۹۰ [۵۰].

۲) مقیاس دل‌بستگی کولینز و رید: مقیاس دل‌بستگی کولینز و رید [۵۱] شامل خودارزیابی ایجاد روابط و خود وصفی به شیوه شکل‌دهی روابط دل‌بستگی، نسبت به نمادهای دل‌بستگی نزدیک است و ۱۸ ماده دارد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت سنجیده می‌شود. هر خرده مقیاس متشکل از ۶ ماده است، خرده مقیاس‌ها عبارت‌اند از: دل‌بستگی ایمن، دل‌بستگی اجتنابی و دل‌بستگی دوسوگرا. پژوهش‌های متعدد پایایی قابل قبولی را برای این مقیاس با استفاده از شیوه آزمون مجدد به دست داده‌اند، به طور مثال، ثبات آزمون مجدد ۰/۷ برآورد شده است [۵۲].

۳) پرسشنامه شخصیتی نئو: یک ابزار اندازه‌گیری تخصصی عوامل نخستین شخصیت است که توسط کاستا و مک کرا، در سال ۱۹۸۵ ساخته شد و در سال ۱۹۹۲ نسخه تجدید نظر شده آن NEO-PI-R منتشر گردید [۵۳]. این پرسشنامه در اصل برای جمعیت بهنجار تهیه شده و طی سال‌های اخیر بیشترین استفاده را در پژوهش‌ها داشته است. این آزمون دارای ۲۴۰ عبارت است و ۵ عامل روان‌آزردگی، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و باوجدان بودن را مورد سنجش قرار می‌دهد. در خصوص اعتبار و وراثی آن، کاستا و مک کرا ضریب آلفای ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ را با میانگین ۰/۸۱ گزارش داده‌اند. در ایران حق‌شناس [۵۴] بر روی نمونه ۵۰۲ نفری جمعیت شیراز به نتایج مشابهی رسیده است: ضرایب آلفای کرونباخ برابر $C = 0/83$ ، $A = 0/71$ ، $O = 0/57$ ، $E = 0/71$ ، $N = 0/81$ و اعتبار آزمون مجدد در فاصله ۶ ماه برابر $A = 0/6$ ، $O = 0/76$ ، $E = 0/74$ ، $N = 0/53$ به دست آمده است.

۴) هوش هیجانی بار-آن: این پرسشنامه دارای پنج مقیاس یا جنبه (مهارت‌های درون فردی، مهارت‌های میان فردی، مقابله با فشار، سازگاری و خلق کلی) و پانزده خرده مقیاس است. پاسخ‌های آزمودنی نیز در روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای در ردیف لیکرت تنظیم شده است. میزان آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۳ گزارش شده است [۵۵].

سوی صاحب‌نظران این حوزه وجود دارد. لوهلین [۴۶] تأکید کرده است که برای استفاده از روش «مدل‌سازی معادلات ساختاری»، حداقل حجم نمونه ۱۰۰ نفر و حجم نمونه مطلوب ۲۰۰ نفر است. نورمن و استرینر [۴۷] بیان داشته‌اند که در این روش برای هر پارامتر باید ۱۰ آزمودنی وجود داشته باشد. کلاین [۴۸] حجم نمونه دست‌کم ۲۰۰ نفری را توصیه می‌کند؛ وی همچنین قانون ۲۰ نفر به ازای هر پارامتر در مدل را برای محاسبه حجم نمونه در روش «مدل‌سازی معادلات ساختاری» مناسب می‌داند. هومن [۴۹] نیز با در نظر گرفتن نرخ ریزش، حجم نمونه ۳۰۰ نفری را خوب، ۵۰۰ نفری را خیلی خوب و ۱۰۰۰ نفری را عالی دانسته است. لذا با در نظر گرفتن مجموعه این دیدگاه‌ها و با توجه به تعداد متغیرها و مجموع عامل‌های اصلی مورد سنجش آن‌ها در مدل کامل و با در نظر گرفتن ۲۰ درصد افت نمونه به دلیل تعداد پرسشنامه‌ها و احتمال مخدوش یا ناقص بازگشتن ابزارهای اندازه‌گیری، حجم نمونه مطالعه، ۷۰۰ نفر در نظر گرفته شد و نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند؛ بررسی مقیاس‌ها نشان داد که تعداد ۲۰۰ عدد از پرسشنامه‌ها به دلیل مخدوش بودن یا ناقص بودن پاسخ‌ها باید از پژوهش کنار گذاشته شوند و به این ترتیب نمونه پژوهش به ۵۰۰ نفر (۲۵۰ زن و ۲۵۰ مرد) تقلیل یافت.

ابزارهای پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها شامل پنج پرسشنامه بود که عبارت‌اند از مقیاس سیستمی-مثلی، پرسشنامه کولینز و رید، پرسشنامه نئو، پرسشنامه بار-آن و پرسشنامه پایبندی مذهبی.

۱) مقیاس سیستمی-مثلی خانواده: یک ابزار خود گزارشی با ۸۷ گویه است که در آن ۳۴ گویه به سنجش پیوستگی بین پاسخ‌دهنده در خانواده همسرش اختصاص دارد. ۳۵ گویه به بررسی وجود مرز منعطف بین همسر فرد با خانواده همسرش می‌پردازد. در نهایت ۱۸ گویه نیز به بررسی وضعیت اتحاد بین فرد و همسرش می‌پردازد. متخصصان از نظر صوری و محتوایی توان پرسشنامه را در سنجش سه مقوله اتحاد بین همسران، مرز بین همسر میانجی و خانواده همسر و پیوستگی فرد با خانواده همسر را مناسب ارزیابی کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ برای تمام سؤالات پرسشنامه ۰/۹۸ بوده است و برای زیر مقیاس‌های اتحاد، مرز و پیوستگی، به ترتیب عبارت بودند از: ۰/۹۴، ۰/۹۶ و ۰/۹۷.

¹ NEO-Personality Inventory – Revised (NEO-PI-R)

² Bar- on Emotional Quotient Inventory (EQ-I)

برای جلب مشارکت افراد، قرار شد در صورت تمایل شماره تلفن خود را اعلام نمایند تا در یک بازه زمانی مشخص پس از اتمام نهایی پژوهش، تفسیر کوتاهی از پرسشنامه شان در اختیارشان قرار گیرد.

شیوه تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های متداول آمار توصیفی شامل توزیع فراوانی، شاخص‌های مرکزی، شاخص‌های پراکندگی و ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرها استفاده شد. جهت آزمون برازندگی مدل پیشنهادی و فرضیه‌های آماری مرتبط با آن، روش تحلیل مسیر اجرا شد.

نتایج

در جدول ۱ میانگین سن و طول مدت ازدواج شرکت‌کنندگان به تفکیک جنسیت ارائه شده است. طبق این جدول، کمینه سن بر اساس ملاک‌های ورود و خروج برای مردان ۲۵ سال و برای زنان ۲۰ سال و بیشینه سن به ترتیب، ۴۵ و ۴۰ سال است. همچنین طول مدت ازدواج شرکت‌کنندگان به طور کلی ۹/۷۴ سال است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی سن و مدت ازدواج شرکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
مرد	۳۴/۱۹	۷/۰۰۱	۲۳	۴۵
زن	۳۰/۲۱	۷/۷۰	۲۰	۴۰
کل	۳۲/۲۰	۷/۰۶	۲۰	۴۵
مدت ازدواج	۹/۷۴	۷/۱۵	۱	۲۰

اطلاعات جمعیت شناختی نشان داد که دامنه سطح تحصیلات آزمودنی‌ها از فوق‌دیپلم و کمتر تا کارشناسی ارشد و بالاتر است. در این میان بیشترین فراوانی مقطع تحصیلی مربوط به فوق‌دیپلم و کمتر با فراوانی ۲۴۸ و ۴۹/۶ درصد؛ و کمترین مقطع تحصیلی به فوق‌لیسانس و بالاتر با فراوانی ۸۱ و ۱۶/۲ درصد اختصاص می‌یابد. دامنه شغلی شرکت‌کنندگان نیز، از کارمند، آزاد، طلبه، خانه‌دار، پزشکی و پیراپزشکی و سایر است که در این میان بیشترین تعداد به خانه‌داری با ۳۵ درصد و سپس به کارمند با ۲۰/۴ درصد مربوط می‌شود.

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. طبق نتایج ارائه شده بیشترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه بین پایبندی مذهبی با هوش هیجانی ($r = 0/525$ ، $P < 0/01$) و کمترین آن مربوط به رابطه بین هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی ($r = -0/106$ ، $P < 0/05$) است.

در تحقیق بار-آن [۵۶]، ضرایب باز آزمایی بعد از یک ماه ۰/۸۵ و بعد از ۴ ماه ۰/۷۵ گزارش شده است. در بررسی دیگری، همسانی درونی با استفاده از روش آلفای کرونباخ در هفت نمونه از جمعیت‌های مختلف، برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۶ به دست آمده است [۵۷] در ایران، زارع [۵۸] میانگین کل ضریب همسانی درونی پرسشنامه را ۰/۷۶ به دست آورد.

(۵) مقیاس پایبندی مذهبی جان بزرگی^۱: این ابزار یک مقیاس خود گزارشی ۶۰ گویه‌ای است که به منظور سنجش میزان گرایش مذهبی اسلامی افراد توسط جان بزرگی [۵۹] ساخت و اعتبار یابی شده است. پاسخ‌ها در این مقیاس، بر اساس طیف لیکرت چهارگزینه‌ای محاسبه می‌شود. این ابزار شامل ۳ خرده مقیاس است که عبارت‌اند از: پایبندی مذهبی، ناپایبندی مذهبی و دوسوگرایی مذهبی. همسانی درونی برای کل مقیاس برابر ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس‌ها از ۰/۶۹ تا ۰/۸۸ گزارش شده است. همبستگی مقیاس کل با پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت ۰/۴۷ گزارش شده است [۵۹].

شیوه انجام پژوهش

پس تعیین حجم نمونه و انتخاب نمونه‌ها با استفاده از روش خوشه‌ای مرحله‌ای به این صورت که از بین ۸ منطقه‌ی شهرداری قم، ۴ منطقه به تصادف انتخاب شده و سپس با در نظر گرفتن خیابان‌های اصلی در هر منطقه چند خیابان و سپس چند کوچه در هر خیابان به صورت تصادفی، و بررسی اعتبار و روایی ابزارهای سنجش، پرسشنامه‌های مربوط به هر متغیر انتخاب شدند، سپس پرسشنامه‌ها به ترتیب پرسشنامه کولینز و رید، مقیاس سیستمی-مثلی، پرسشنامه نئو، پرسشنامه بار-آن و پرسشنامه پایبندی مذهبی به صورت یک دفترچه پشت سر هم قرار گرفتند و یک دفترچه پاسخنامه هم بر اساس آن تهیه شد. سپس برای یکسان‌سازی پاسخگویی و تبعیت از یک شیوه استاندارد، دستورالعملی برای پاسخگویی آماده شد که در آن بر محورهای فوق تأکید گردید: ترتیب اجرای پرسشنامه بر اساس بسته تنظیم شده صورت گیرد. از ذکر نام و مشخصات برای رعایت اصول اخلاقی خودداری کنند. در نهایت، به منازلی که در هر کوچه به طور تصادفی انتخاب شده بودند، مراجعه شد و در صورت رضایت از شرکت در پژوهش و دادن توضیحات لازم در مورد چگونگی تکمیل پرسشنامه‌ها، دفترچه پرسشنامه‌ها به همراه پاسخنامه‌ها به آنها تحویل داده شد و پس از گذشت ۴ روز از آنها پس گرفته شدند.

¹ Janbozorgi Religious adherence Questionnaire (JRAQ)

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. ارتباط با خانواده همسر						
۲. ویژگی‌های شخصیت	۰/۱۹۸**					
۳. سبک‌های دلبستگی	-۰/۱۹۸**	۰/۱۱۹**				
۵. هوش هیجانی	۰/۴۱۶**	۰/۴۲۹**	-۰/۱۰۶*			
۶. پایبندی مذهبی	۰/۳۸۰**	۰/۲۴۹**	-۰/۱۱۷**	۰/۵۲۵**		

** P<۰/۰۵ * P<۰/۰۱

و مطلوب برخوردار است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	RMSEA	PNFI	PCFI	GFI
مقدار قابل قبول	<۰/۰۸	>۰/۶	>۰/۶	>۰/۶
شاخص	۰/۰۷۵	۰/۷۰۰	۰/۷۲۳	۰/۹۰۰

در جدول ۴ نیز میزان و نوع تأثیرگذاری متغیرهای پژوهش ارائه شده است. ضریب مسیرهای غیر معنادار بین متغیرهای پژوهش به دلیل تعداد زیاد متغیرها و پیچیدگی در جدول و شکل نشان داده نشده‌اند.

در نهایت با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری (روش حداکثر درست نمایی در Amos) برای تحلیل داده‌های مبتنی بر مدل فرضی پژوهش (شکل ۱) استفاده شد. از آنجا که SEM به توزیع متغیرهای غیر نرمال می‌تواند حساس باشد، تحلیل‌های تک متغیره برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، همگنی واریانس، خطاهای ورودی و داده‌های پرت اجرا گردید. با توجه به جدول ۳ (PCFI = ۰/۷۲۳، PNFI = ۰/۷۰۰، GFI = ۰/۹۰۰، RMSEA = ۰/۰۷۵) به دست آمده است. این مقادیر بیانگر این است که مدل از یک برازش کافی

جدول ۴. ضرایب استاندارد شده تأثیر خرده مقیاس‌ها در مسیرهای مدل

کل	غیر مستقیم	مستقیم	تأثیر خرده مقیاس روان‌آزردگی بر مقیاس ارتباط با خانواده همسر
۰/۰۶۳	-۰/۰۶۳	۰/۰۰	تأثیر خرده مقیاس روان‌آزردگی بر خرده مقیاس پیوستگی
۰/۰۳۸	-۰/۰۳۸	۰/۰۰	تأثیر خرده مقیاس روان‌آزردگی بر خرده مقیاس مرزبندی منعطف
۰/۰۳۹	-۰/۰۳۹	۰/۰۰	تأثیر خرده مقیاس روان‌آزردگی بر خرده مقیاس اتحاد
۰/۰۵۸	-۰/۰۵۸	۰/۰۰	تأثیر خرده مقیاس روان‌آزردگی بر خرده مقیاس پایبند مذهبی
۰/۰۹۹	۰/۰۰	-۰/۰۹۹	تأثیر خرده مقیاس روان‌آزردگی بر خرده مقیاس کنترل استرس
۰/۶۰۳	۰/۰۰	-۰/۶۰۳	تأثیر خرده مقیاس روان‌آزردگی بر خرده مقیاس مهارت‌های بین فردی
۰/۵۳۶	۰/۰۰	۰/۵۳۶	تأثیر خرده مقیاس موافق بودن بر مقیاس ارتباط با خانواده همسر
۰/۱۵۴	۰/۰۰	۰/۱۵۴	تأثیر خرده مقیاس موافق بودن بر خرده مقیاس پیوستگی
۰/۰۹۲	۰/۰۹۲	۰/۰۰	تأثیر خرده مقیاس موافق بودن بر خرده مقیاس مرزبندی منعطف
۰/۰۹۶	۰/۰۹۶	۰/۰۰	تأثیر خرده مقیاس موافق بودن بر خرده مقیاس اتحاد
۰/۱۴۲	۰/۱۴۲	۰/۰۰	تأثیر خرده مقیاس موافق بودن بر خرده مقیاس پایبند مذهبی
۰/۲۵۹	۰/۰۰	۰/۲۵۹	تأثیر خرده مقیاس موافق بودن بر خرده مقیاس مهارت‌های بین فردی
۰/۳۳۴	۰/۰۰	۰/۳۳۴	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر مقیاس پایبندی مذهبی
۰/۶۵۰	۰/۰۰	۰/۶۵۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر مقیاس هوش هیجانی
۰/۸۰۴	۰/۰۰	۰/۸۰۴	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر مقیاس ارتباط با خانواده همسر
۰/۳۴۸	۰/۳۴۸	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس پیوستگی
۰/۲۰۷	۰/۲۰۷	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس مرزبندی منعطف
۰/۲۱۶	۰/۲۱۶	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس اتحاد
۰/۳۲۰	۰/۳۲۰	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس پایبند مذهبی
۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس کنترل استرس
۰/۶۳۵	۰/۶۳۵	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس پایبند دوسوگرا
۰/۳۶۴	۰/۳۶۴	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس ناپایبند مذهبی
۰/۶۹۴	۰/۶۹۴	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس مهارت‌های درون فردی
۰/۶۴۴	۰/۶۴۴	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس سازگاری
۰/۱۱۵۵	۰/۱۱۵۵	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس کنترل استرس
۰/۶۹۳	۰/۶۹۳	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس خلق عمومی
۰/۷۴۸	۰/۷۴۸	۰/۰۰	تأثیر مقیاس سبک‌های دلبستگی بر خرده مقیاس مهارت‌های بین فردی
۰/۰۶۲	۰/۰۶۲	۰/۰۶۲	تأثیر مقیاس پایبندی مذهبی بر مقیاس ارتباط با خانواده همسر
۰/۰۳۷	۰/۰۳۷	۰/۰۰	تأثیر مقیاس پایبندی مذهبی بر خرده مقیاس پیوستگی
۰/۰۳۹	۰/۰۳۹	۰/۰۰	تأثیر مقیاس پایبندی مذهبی بر خرده مقیاس مرزبندی منعطف
۰/۰۵۷	۰/۰۵۷	۰/۰۰	تأثیر مقیاس پایبندی مذهبی بر خرده مقیاس اتحاد
۰/۳۸۲	-۰/۰۲۴	۰/۴۰۶	تأثیر مقیاس هوش هیجانی بر مقیاس ارتباط با خانواده همسر
۰/۲۲۸	۰/۲۲۸	۰/۰۰	تأثیر مقیاس هوش هیجانی بر خرده مقیاس پیوستگی
۰/۲۳۸	۰/۲۳۸	۰/۰۰	تأثیر مقیاس هوش هیجانی بر خرده مقیاس مرزبندی منعطف
۰/۳۵۱	۰/۳۵۱	۰/۰۰	تأثیر مقیاس هوش هیجانی بر خرده مقیاس اتحاد
۰/۱۲۴	-۰/۱۲۴	۰/۰۰	تأثیر مقیاس تمایز یافتگی بر خرده مقیاس اتحاد

مستقیم تأثیرگذار است و بر خرده مقیاس‌های پیوستگی، مرزبندی منعطف و اتحاد به شکل غیرمستقیم تأثیرگذار است. خرده مقیاس روان آزردهی نیز بر خرده مقیاس‌های پایبندی مذهبی، کنترل استرس و مهارت‌های بین فردی به طور مستقیم تأثیر می‌گذارد و بر خرده مقیاس‌های پیوستگی، مرزبندی منعطف، اتحاد به صورت غیرمستقیم تأثیرگذار است. ناپایبندی مذهبی نیز به شکل غیرمستقیم بر خرده مقیاس‌های پیوستگی من، مرزبندی منعطف، اتحاد تأثیرگذار است. تأثیر هوش هیجانی نیز بر خرده مقیاس‌های پیوستگی، مرزبندی منعطف، اتحاد به صورت غیرمستقیم است. در جدول ۵ نیز ضرایب همبستگی مسیرها برای متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

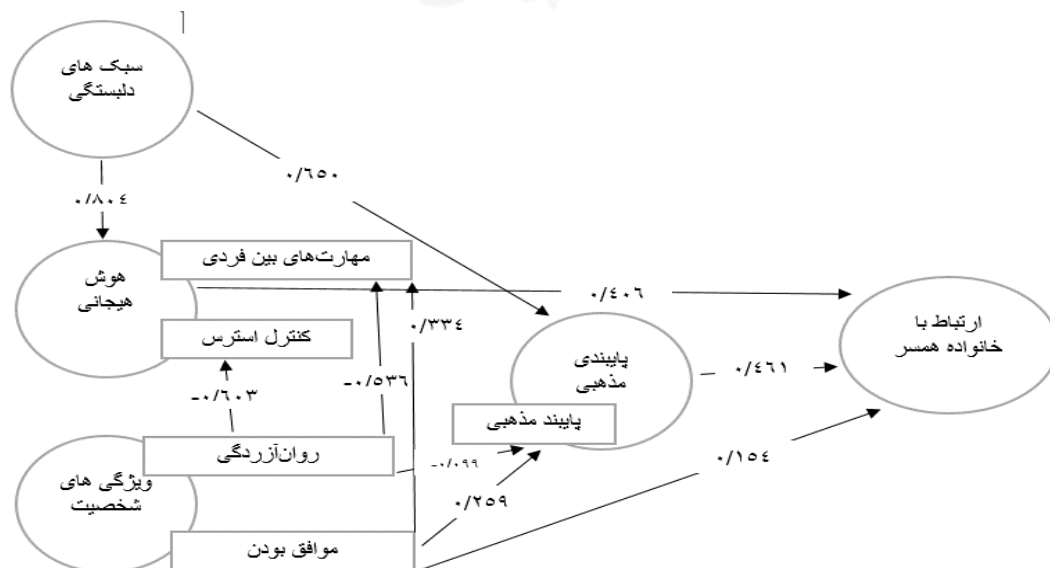
بر اساس جدول ۴ متغیرهای پایبندی مذهبی، هوش هیجانی و خرده مقیاس‌های موافق بودن به طور مستقیم و متغیرهای سبک‌های دلبستگی و خرده مقیاس روان آزردهی به طور غیرمستقیم بر ارتباط با خانواده همسر تأثیرگذارند. علاوه بر این نتایج پژوهش نشان داد سبک‌های دلبستگی بر پایبندی مذهبی و هوش هیجانی به طور مستقیم تأثیرگذار است و بر خرده مقیاس‌های پیوستگی، مرزبندی منعطف، اتحاد، پایبند مذهبی، پایبند دوسوگرا، ناپایبند مذهبی، مهارت‌های بین فردی، سازگاری، کنترل استرس، خلق عمومی و مهارت‌های بین فردی به طور غیرمستقیم تأثیرگذار است. همچنین خرده مقیاس موافق بودن بر پایبندی مذهبی و خرده مقیاس مهارت‌های بین فردی به طور مثبت و

جدول ۵. ضرایب همبستگی خرده مقیاس‌ها در مسیرهای مدل

P- value	Estimate	متغیرها
<۰/۰۱	-۰/۱۹۷	خرده مقیاس روان آزردهی ↔ خرده مقیاس موافق بودن
<۰/۰۱	-۰/۱۸۵۷	مقیاس سبک‌های دلبستگی ↔ خرده مقیاس روان آزردهی
<۰/۰۱	۰/۴۰۱	مقیاس سبک‌های دلبستگی ↔ خرده مقیاس موافق بودن
<۰/۰۱	-۰/۴۱۹	خرده مقیاس ناپایبند مذهبی ↔ خرده مقیاس پایبند مذهبی
<۰/۰۱	۰/۲۴۴	خرده مقیاس کنترل استرس ↔ خرده مقیاس مهارت‌های بین فردی
<۰/۰۱	۰/۳۹۲	خرده مقیاس پایبند مذهبی ↔ خرده مقیاس مهارت‌های بین فردی

دوسویه وجود دارد و بین خرده مقیاس روان آزردهی با خرده مقیاس موافق بودن، خرده مقیاس روان آزردهی با مقیاس سبک‌های دلبستگی و خرده مقیاس پایبند مذهبی و ناپایبند مذهبی رابطه‌ای منفی و دوسویه وجود دارد.

بر این اساس (جدول ۵) بین خرده قیاس موافق بودن با مقیاس سبک‌های دلبستگی، خرده مقیاس کنترل استرس با خرده مقیاس مهارت‌های بین فردی، خرده مقیاس پایبند مذهبی با خرده مقیاس مهارت‌های بین فردی رابطه مثبت و



شکل ۲. مدل ارتباط با خانواده همسر بر اساس سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی میانجی‌گری پایبندی مذهبی

ناظر اعمال خود ببیند و بر طبق اصول و موازین دین عمل کند. همچنین پایبندی به ارزش‌های دینی، موجب سلامت و نشاط روحی و روانی فرد می‌شود. نتایج تحقیقات نشان داده است که افراد مذهبی از سبک و شیوه زندگی سالم‌تر و متعادل‌تری استفاده نموده و از قابلیت سازگاری و کنار آمدن بالاتری برخوردار هستند و در مقایسه با افرادی که از نظر اعتقادات دینی ضعیف‌تر هستند، احساس آرامش، امنیت و خوشبختی بیشتری می‌نمایند [۶۳]. مذهب، نه تنها زندگی فردی افراد، بلکه زندگی اجتماعی و خانوادگی آن‌ها را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد. به طوری که بالاترین مراتب رفتارهای دینی، پس از ایمان به خدا، برقراری روابط خویشاوندی است. آثار و نتایجی چون طولانی شدن عمر، جلوگیری از بروز بلاها و مرگ ناخوشایند، سلامتی بدن، رفع فقر و افزایش روزی، آبادی شهرها، حسن خلق، اصلاح رفتارها و ایجاد آرامش و نشاط را به همراه خواهد داشت [۶۴]. در نتیجه، جوامع پایبند به اصول اخلاقی و مبانی دینی ارزشی، از روابط سالم اجتماعی، چه در سطح خانواده و چه در سطح اجتماع برخوردارند. در میان آن‌ها صلح، صفا، اعتماد و علاقه، احترام و ادب و اخلاق حکم‌فرماست و کانون خانواده بسیار گرم و صمیمی است [۶۵]. همچنین با توجه به توصیه‌های فراوان دین اسلام بر خوش‌خلقی، پرهیز از خشونت، مهربانی و خیرخواهی، نوع‌دوستی، پرهیز از ظن و گمان‌های بیهوده، پرهیز از حسادت و بغض و کینه نسبت به یکدیگر، افزایش صبر و تحمل و احترام به روابط خویشاوندی و حفظ پیوندهای خانوادگی، پایبندی به ارزش‌های مذهبی، از بروز بسیاری از آسیب‌هایی که در روابط خانوادگی اختلال ایجاد می‌کند و موجب تیرگی روابط می‌شود، پیشگیری می‌کند و موجب می‌شود زوجین و خانواده همسر بتوانند از روابط بهتر و سالم‌تری برخوردار شوند. این نتایج، با نتایج تحقیقات کولدول [۶۶]، عبدالله پور و همکاران [۶۷] و خدایاری فرد و همکاران [۶۸] هماهنگی دارد.

عدم پایبندی مذهبی و عدم تعهد نسبت به معیارها، ارزش‌ها و قیودات دینی و مذهبی موجب می‌شود فرد، خود و امیالش را راهنمای افکار، اعمال و رفتار خود می‌سازد. وقتی پایبندی مذهبی ضعیف باشد و یا وجود نداشته باشد، در شرایط بحرانی که منافع فرد به خطر می‌افتد، ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی نیز کارایی خود را از دست می‌دهند. فرد ممکن است برای حفظ منافع خود، دست به هر عمل غیرخدایی و غیراخلاقی بزند. در روابط زوجین و خانواده همسر نیز وضع به همین صورت است. عدم پایبندی مذهبی، خودخواهی، حسادت، غرور، تکبر، خودپسندی، بدرفتاری‌ها، بدخلقی، سوءظن‌ها، بدزبانی، بدبینی، سودجویی‌ها،

نتایج بررسی فرضیه پژوهش (سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی با میانجی‌گری پایبندی مذهبی ارتباط با خانواده همسر را پیش‌بینی می‌کنند). در جدول ۶ و شکل ۲ گزارش شده است.

جدول ۶. ضرایب پیش‌بین متغیرهای پژوهش

پایبندی مذهبی	
۰/۴۶۱	ضریب پیش‌بین متغیر ارتباط با خانواده همسر
<۰/۰۱	P- value

بنابراین شکل و ضرایب استانداردشده مسیر (جدول ۵) و ضرایب پیش‌بین در جدول ۶ فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر طراحی و ارائه مدل ارتباط با خانواده همسر بر اساس سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت، هوش هیجانی با میانجی‌گری پایبندی مذهبی است. نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی می‌توانند با میانجی‌گری پایبندی مذهبی، ارتباط با خانواده همسر را پیش‌بینی کنند و مدل ارائه شده در این زمینه برازش مناسبی دارد. در این مدل نتایج تحلیل مسیر نشان داد که پایبندی مذهبی به طور مستقیم میانجی‌گر رابطه بین سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی با ارتباط با خانواده همسر است. این یافته با نتایج پژوهش‌های دیگر از جمله پژوهش قاسمی و اعتمادی [۶۰] همسو است؛ بنابراین بر اساس یافته‌های پژوهش، سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی از طریق پایبندی مذهبی، ارتباط با خانواده همسر را پیش‌بینی می‌کنند. هرچند در پژوهش‌های پیشین نقش میانجی‌گری پایبندی مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی با ارتباط با خانواده همسر بررسی نشده است، ولی نتایج پژوهش‌های مشابه نشان داده است که بین پایبندی و ناپایبندی مذهبی و رضایتمندی از روابط، رابطه معناداری وجود دارد [۶۱]. همچنین ثناگویی و همکاران [۶۲] در پژوهش خود نشان دادند که بین الگوهای ارتباطی زوجین با پایبندی مذهبی افراد تفاوت معناداری وجود دارد و می‌توان از طریق پایبندی مذهبی، الگوهای ارتباطی زوجین را پیش‌بینی کرد.

در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان گفت پایبندی مذهبی موجب می‌شود فرد افکار، اعمال و امیال خود را بر اساس معیارهای مذهبی تنظیم کند. در دیدگاه چنین فردی، تمامی تجربیات زندگی روزمره رنگی خدایی می‌گیرد و فرد سعی می‌کند در همه رویدادهای زندگی، خداوند را شاهد و

را دقیق‌تر مورد بررسی قرار داد.

تشکر و قدردانی

در پایان، پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند که از همه اساتید، شرکت‌کنندگان و سایر دوستانی که یاری‌دهنده ما در این پژوهش بودند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایند.

منابع

1- Salmon, C.A., Shackelford, T.K. (2014). Family Relationships: an Evolutionary Perspective. New York: Oxford University Press, Inc.

۲- فاتحی زاده، مریم؛ بهجتی اردکانی، فاطمه؛ نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۳۸۴)؛ بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، مینبد و اردکان؛ فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۱۱، ۱۱۷-۱۲۷.

3- M. Sadeghi, M. Mazaheri tehrani, F. Mootabi, K. Zahedi, "Marital interaction in iranian couples examming the role of culture", Journal of comparative familystudies, Vol.0, pp.281-300, 2012.

4- Datta, P., Poortinga, Y. H., Marcoen, A. (2003). Parent care by Indian and Belgian caregivers in their roles of daughter/daughter-in-law. Journal of Cross-Cultural Psychology, 34: pp 736-749.

5- Feng Wu, T., Hui Yeh, K., Cross, S.E., Larson, L.M., Yi-Chao Wang. (2010). Conflict with Mothers-in-Law and Taiwanese Women's Marital Satisfaction: The Moderating Role of Husband Support. The Counseling Psychologist, 38(4): pp 497-522.

۶- فروزش، سجاد؛ محسنی زاده، معصومه (۱۳۹۶)؛ مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زوجین ایرانی با سبک‌های دلبستگی و قومیت‌های مختلف؛ مجله روانشناسی معاصر، ۱۲ (ویژه‌نامه)؛ ۱۲۹۰-۱۲۹۴.

۷- چراغی، مونا؛ مظاهری، محمدعلی؛ موتابی، فرشته؛ پناغی، لیلی؛ صادقی، منصوره (۱۳۹۳)؛ مقایسه رابطه با خانواده همسر در دو گروه افراد راضی و ناراضی از ارتباط مذکور. مجله خانواده پژوهی؛ شماره ۴۰:۴۵۱-۴۷۴.

۸- صادقی بیدمشکی، فرزانه؛ میرهاشمی، مالک (۱۳۹۵)؛ رابطه سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با اختلال عملکرد جنسی، فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۱۲؛ شماره ۴۵؛ ۱۵۵-۱۶۹.

۹- عطایی فر، ربابه؛ امیری، شعله (۱۳۹۵)؛ آزمون مدل علی رابطه ارتباط مؤثر همسران و رابطه والد-فرزند؛ خانواده پژوهی، دوره ۳، شماره ۳۰، ۷-۳۷.

منفعت‌طلبی و بی‌تفاوتی نسبت به اعضای خانواده و زیر پا گذاشتن پیوندها و ارزش‌های خانوادگی، برای رسیدن به منافع شخصی موجب از هم پاشیدن روابط زوجین و خانواده همسر، بی‌احترامی‌ها و قطع ارتباطها می‌شود. این قطع ارتباط، نتایجی چون افزایش نگرانی در خانواده همسران، محرومیت از حمایت‌های عاطفی و اجتماعی خانواده همسر، انزوا، افسردگی، اضطراب و ناامیدی، نقصان در تربیت اجتماعی و عاطفی فرزندان، پیدایش احساس بدبینی در همسر و فرزندان را به دنبال خواهد داشت که سلامت روحی، روانی و جسمانی فرد را به خطر می‌اندازد.

دوسوگرایی مذهبی و تردید مذهبی موجب عدم هماهنگی کردار و گفتار، سردرگمی و نگرانی فرد می‌شود. تحمل او در برابر مشکلات کم می‌کند. چنین فردی احساس خوبی نسبت به خود و رابطه خود با خدا ندارد، از اعمال مذهبی خود ناراضی است. تنها هنگام سختی‌ها به خدا پناه می‌برد و میزان ناهشیاری یا غفلت او زیاد است [۵۹] فرد دارای دوسوگرایی مذهبی، در همه شرایط و رویدادها یکسان برخورد نمی‌کند. گاهی بی‌توجه به مذهب و شعائر دینی و گاه بر طبق موازین دینی رفتار می‌کند. این پایبندی گاه‌وبیگاه به مذهب، می‌تواند قلمروهای مختلف زندگی او از جمله روابط خانوادگی‌اش را تحت تأثیر قرار دهد. چنین فردی، گاه بر طبق موازین دین در مقابل دیگران مهربان و صبور است و گاه بی‌طاقت و پریشان است و این طرز برخورد، می‌تواند در روابط فرد با اعضای خانواده خود و خانواده همسرش اختلال ایجاد کند و موجب بروز اختلال در روابط زوجین و خانواده همسر گردد [۶۰].

در پایان باید یادآور شد که این پژوهش، با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود که می‌تواند تعمیم نتایج را با مشکلاتی مواجه سازد، از جمله این محدودیت‌ها، استفاده از پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری داده است. بی‌دقتی، عدم صداقت احتمالی شرکت‌کنندگان می‌تواند موجب اختلال در داده‌های گردآوری شده گردد. علاوه بر این؛ جامعه آماری پژوهش زوجین ساکن قم بودند، لذا ممکن است از قابلیت تعمیم کافی برخوردار نباشد؛ بنابراین انجام پژوهش در جامعه پژوهشی گسترده‌تر و از شهرهای مختلف، می‌تواند تعمیم‌پذیری بیشتری به دنبال داشته باشد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در سایر شهرهای ایران انجام شود و شباهت‌ها و تفاوت‌های نتایج آن تحقیقات با نتایج این تحقیق مورد بررسی قرار گیرد. همچنین با توجه به اینکه این پژوهش در جامعه مسلمان و شیعه صورت گرفته، با انجام این تحقیق در جوامع مسلمان سنی و یا غیرمسلمانان و مقایسه نتایج آن‌ها؛ می‌توان آثار و نتایج دین‌داری بر روابط خانوادگی

- 20- John, o. p., & Srivastava, S. The big five trait taxonomy: History, measurement, and theoretical perspective. In L. A. Pervin, & P. P. John (Eds.), Handbook of personality, theory and research (1999) (PP. 102-139). New York: Guilford press.
- 21- Ekşi, H. VeOtrar, M. (2001). Lise turleri ile kisilik ozellikleri arasindaki uzerinebir arastirma. Kuram ve Uygulamada Egitim Bilimleri, 1, 109-129.
- 22- Rodrigues, A.M. & et al. (2007). Predictors of Divorce and Relationship Dissolution Handbook of divorce and relationship dissolution. NY: Erlbaum.
- 23- Golman D. (1995), Emotional Intelligence. 1st Ed. New York: Bantam; 55-86.
- ۲۴- لطفی، نرگس؛ سعادت‌ی شامیر ابوطالب (۱۳۹۵)؛ بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی با شکست عاطفی دانشجویان؛ پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، دوره ۶، شماره ۱، ۹۸-۱۱۲.
- 25- Demirkan, S. (2006). Ozel sektordeki yoneticilerin veçalışanlar ın bağlanma stilleri, kontrol odagi, is doyumunu ve Bes factor kişilik özelliklerinin are ştirilmesi. Yayimlanmamış Yuk - seklisanstezi, Ankara University, Sosyal Bilimler Enstitusu, Ankara.
- 26- Fullam, M. (2017). Adult attachment, emotional intelligence, health and immunological responsiveness to stress. Dissertation Abstract International, 63 (2-B), 1079.
- 27- Haddadi, Koohsar, A. A., & GhobaryBonab, B. (2011). Relation between emotional intelligence and quality of attachment in high school administrators. Pro-cedia-Social and Behavioral Sciences, 30, 949-953.
- ۲۸- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶). بررسی رابطه ابعاد شخصیت و هوش هیجانی. مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه علوم پزشکی. شماره ۸، ۷۹-۹۴.
- ۲۹- آقا یوسفی، علیرضا؛ بهروزیان، سحر؛ اسماعیل سعدی پور، رابطه ویژگی‌های شخصیتی و هوش هیجانی با سلامت روان افراد مبتلا به فنیل کتونوریای تحت درمان، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی/ سال هشتم، شماره ۴، ۱۳۸۷، ۳۷۰-۳۸۱.
- 30- Zulling, K. J, & et al. (2006). "The association between perceived spirituality, religiosity and life satisfaction: the mediating role of self-rated health", Social Indicators Research, v. 79, p. 255-274.
- ۱۰- رازقی، نرگس؛ مظاهری، محمدعلی، احدی، حسن (۱۳۹۴)؛ نقش سبک‌های دلبستگی در ارجحیت ملاک‌های انتخاب همسر، روانشناسی تحولی، دوره ۱۱، شماره ۴۴، ۴۰۵-۴۱۵.
- ۱۱- بابایی، اعظم؛ صالحی، جواد؛ الهی، طاهره (۱۳۹۵)؛ مقایسه هوش هیجانی و ویژگی‌های شخصیت؛ پژوهش‌های نوین روانشناختی؛ دوره ۱۱، شماره ۴۲، ۲۷-۵۰.
- ۱۲- زارع، مژگان؛ رضایی، آذرمدخت (۱۳۹۵)؛ نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی زوجین شاغل فرهنگی شهر مرودشت؛ روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، دوره ۷، شماره ۲۴، ۹۱-۱۰۲.
- ۱۳- مرعشی، سیدعلی؛ محرابیان، طاهره؛ مسلمان، مهسا (۱۳۹۵)؛ بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی با رضایت از زندگی در کارکنان یک شرکت صنعتی در استان ایلام، دوره ۳، شماره ۱(۱)، ۴۸-۵۵.
- ۱۴- البرزی، محبوبه؛ خوشبخت، فریبا؛ گلزار، حمیدرضا، صبری، مصطفی (۱۳۹۴)؛ رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری؛ نقش واسطه‌ای هوش هیجانی، روانشناسی تحولی؛ دوره ۱۱، شماره ۴۴، ۴۲۵-۴۳۶.
- ۱۵- پورمحسنی کلوری، فرشته؛ ایرانی کلور، سید عادل؛ طهرانی زاده، مریم (۱۳۹۴)؛ بررسی و مقایسه نقش سبک‌های دلبستگی و راهبردهای تنظیم هیجان در پیش‌بینی مشکلات رفتاری- هیجانی در شبه خانواده و غیر شبه خانواده؛ فصلنامه خانواده پژوهی؛ دوره ۱۱، شماره ۴۴؛ ۴۹۱-۵۱۲.
- ۱۶- موسوی، رقیه؛ بدیهی زراعتی، فرنوش (۱۳۹۵)؛ بررسی اثربخشی زوج‌درمانی هیجان مدار (EFT) بر تغییر سبک‌های دلبستگی زوجین؛ دانش‌ور رفتار، روانشناسی بالینی و شخصیت؛ دوره ۱۴، شماره ۲-۱۲.
- ۱۷- کرین، ویلیام کریستوفر (۱۳۹۶)؛ نظریه‌های رشد، مفاهیم و کاربردها، ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد؛ تهران، رشد.
- 18- Robyn AP, Evelyn DS. (Editors). Attachment and marital adjustment. Proceeding of the 6th Australian Institute of Family Studies Conference, Changing Family, Challenging Futures; 2005; November 25-27, Melbourne, Australia.
- 19- Donnellan, M. B. Burt, S. A., Levendosky, A. A., & Klump, K. L. (2008). Genes, personality, and attachment in adults: A multivariate behavioral genetic analysis. Personality and Social Psychology Bulletin, 34(1), 3-16.

- 41- McCullough, M. E., Tsang, J., & Brion, S. (2003), "Personality traits in adolescence as predictors of religiousness in early adulthood: Findings from the Terman longitudinal study", *Social Psychology Bulletin*, 29, pp.980-991.
- ۴۲- دهستانی، مهدی (۱۳۹۴)؛ بررسی نقش عامل‌های شخصیتی در پیش‌بینی ابعاد مختلف دینداری در دانشجویان: بر مبنای نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت؛ دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روانشناسی، س ۹، ش ۱۷، ۸۷-۱۰۴.
- 43- Saucier, G., & Skrzypinska, K. (2012), "Spiritual but not religious? Evidence for two independent dispositions", *Journal of Personality*, 74, pp.1257-1292.
- ۴۴- عباسی، روح اله؛ روشن چسلی، رسول (۱۳۸۹)؛ بررسی رابطه باورهای مذهبی و هوش هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی؛ دانشور رفتار، روانشناسی بالینی و شخصیت؛ دوره ۱؛ شماره ۸-۴۳.
- ۴۵- صیادی تورانلو، حسین؛ جمالی، رضا؛ میرغفوری، سیدحبيب (۱۳۸۶)؛ بررسی رابطه اعتقاد به آموزه‌های مذهبی اسلام و هوش هیجانی دانشجویان، فصلنامه اندیشه نوین دینی، دوره ۳، شماره ۱۱، ۱۴۵-۱۷۲.
- 46- Loehlin, J. C. (2004). *Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural equation analysis*: Psychology Press.
- 47- Norman, G.R. & Streiner, D.L. (2003). *PDQ statistics (Vol. 1)*.
- 48- Kline, R.B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*. Second Edition, New York: The Guilford Press.
- ۴۹- هومن، حیدر علی (۱۳۸۱)؛ شناخت روش علمی در علوم رفتاری (پایه‌های پژوهش)، تهران: پارس.
- ۵۰- چراغی، مونا؛ مظاهری، محمدعلی؛ موتابی، فرشته؛ پناغی، لیلی؛ صادقی، منصوره (۱۳۹۶)؛ مقیاس سیستمی-مثلی خانواده: ابزاری برای سنجش روابط همسران و خانواده‌های اصلی آن‌ها؛ مجله خانواده پژوهی، شماره ۵۱، ۳۶۰-۳۴۳.
- 51- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.
- ۵۲- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۶)؛ بر جاماندگی اختلال واکنشی دلبستگی در نوجوانی؛ مجله روانشناسان ایرانی؛ سال سوم، شماره ۱۴.
- 31- Haseley, J., L. (2015). *Marital satisfaction among newly married couples: Associations with religiosity and romantic attachment style*. Dissertation Prepared for the Degree of Doctor of Philosophy, University of North Texas.
- ۳۲- روحانی، عباس؛ معنوی‌پور، داوود (۱۳۸۷)؛ رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، دانش و پژوهش در روانشناسی، ۳۵، ۱۸۹-۲۰۶.
- ۳۳- بارباز اصفهانی، نجمه؛ پرچم، اعظم، فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۹۴)؛ مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید مشاوره خانواده و اسلام؛ فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، سال نهم، شماره ۲۸.
- ۳۴- شاه نظری، مهدی (۱۳۹۱)، تدوین مدل رضایت زناشویی بر پایه ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری مذهبی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- 35- Lopez, J., Riggs, S., Pollard, S., & Hook, J. (2011). Religious commitment, adult attachment, and marital adjustment in newly married couples. *Journal of Family Psychology*, 25, 301-309.
- 36- DeMaris, A., Mahoney, A., & Pargament, K. I. (2010). Sanctification of marriage and general religiousness as buffers of the effects of marital inequity. *Journal of Family Issues*, 31, 1255- 1278.
- 37- Sullivan, K. T. (2001). Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. *Journal of Family Psychology*, 15, 610-626.
- ۳۸- خجسته مهر، رضا؛ احمدی میلانی، منیژه؛ سودانی، منصور (۱۳۹۳)؛ نقش تعدیل‌کننده تعهد دینی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و صمیمیت زناشویی، روانشناسی معاصر، دوره ۹ (۱)، ۴۳ - ۵۴.
- ۳۹- کرمی، بختیار (۱۳۹۱)، رابطه سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری مذهبی دانشجویان؛ ششمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان، ۷۷۷-۷۷۹.
- ۴۰- خوانین‌زاده سر علامه طباطبایی، مرجان (۱۳۸۲)، مقایسه سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی دانشجویان دوره کارشناسی در رشته‌های غیرپزشکی دانشگاه تهران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

66- Coldwell, K. J, 1995, Religious effect on level of family functioning, Journal of Family Psychology, v. 7, p. 245-260.

۶۷- عبدالله پور، نازی و همکاران (۱۳۸۸)؛ رابطه بین دینداری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ش ۷، ص ۱۵۷-۱۷۶.

۶۸- خدایاری فرد، محمد و همکاران (۱۳۸۶)؛ رابطه نگرش مذهبی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل، خانواده پژوهی، ش ۱۰، ص ۶۱-۶۲.

53- Costa, P, T., Jr. McCrae. R, R (1999). A Five-Factor Theory of Personality. In L.A. Pervin and O.P. John (Eds), Handbook of Personality: Theory and research (pp. 139-153). New York: Guilford.

۵۴- حق‌شناس، حسن (۱۳۸۵)، طرح پنج عاملی ویژگی‌های شخصیت (راهنمای تفسیر و هنجاریابی آزمون NEO-PI-R)، شیراز. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

۵۵- سموعی، راحله و همکاران (۱۳۸۶)؛ آزمون هوش هیجانی بار-آن؛ شرکت روان تجهیز سینا.

56- Bar-On, R.(1997). Bar-On, Emotional Quotient Inventory. Toronto: multi Health system Inc.

57- Bar-On, R. Parker, D.A (2000). The hand Book of Emotional Intelligence: Theory. Development, Assessment and Application at Home, School and work place. Sanfrancisco.

۵۸- زارع، م (۱۳۸۰)؛ مطالعه سهم هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روانپزشکی تهران.

۵۹- جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۸)؛ ساخت و اعتبار یابی آزمون پایبندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه؛ دو فصلنامه علمی تخصصی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ش ۵، ۳.

۶۰- قاسمی، سیمین؛ اعتمادی، عذرا (۱۳۹۵)، رابطه بین پایبندی مذهبی و بخشش با کیفیت روابط زوجین و خانواده همسر در زنان، روانشناسی و دین، سال نهم، شماره ۲.

۶۱- شاه نظری، مهدی؛ مدل یابی رضایت مندی زناشویی بر پایه سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری مذهبی؛ «پژوهشنامه تربیتی» فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۱، صفحه ۱-۲۴.

۶۲- ثناگویی زاده، محمد؛ جان بزرگی، مسعود؛ مهدویان، علیرضا (۱۳۹۰)؛ رابطه «الگوهای ارتباطی زوجین» با «رضامندی زناشویی»، مطالعات اسلام و روانشناسی، دوره ۵، شماره ۹، ۵۷ - ۷۷.

۶۳- نوابخش، مهرداد؛ پورشرفی، حمید (۱۳۸۵)، نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان، پژوهش دینی، ش ۱۴، ص ۷۱-۹۴.

۶۴- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۴)؛ خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، تهران، سمت.

۶۵- ابراهیم‌زاده آملی، عبدالله (۱۳۸۴)؛ آثار دینداری در زندگی فردی و اجتماعی، مرییان، ش ۵(۱۷)، ص ۲۹-۶۵.